****

**مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد 11 تهران**

عنوان تحقیق:

**آسيب هاي فرهنگي فناوريهاي مدرن در خانواده**

استاد:

**جناب آقاي دكتر عليرضا مومني**

دانشجو:

**اكرم آزاد**

**رشته كارشناسي حرفه اي امور فرهنگي گرايش مديريت برنامه ريزي**

**چکیده**

**فن آوری رسانه‏ای به عنوان یکی از پی‌آمدهای مدرنیسم، با حضور در خانواده‌ها کارکردهای خانواده را تغییر داده است. ارزش‏هایی چون مادی‏گرایی، مصرف‏گرایی و فردگرایی، خانواده را از کارکردهای اصلی خود دور کرده و موجب گسست پیوندهای اصیل خانوادگی شده است. و امروزه از به ‏کارگیری فن آوری های مدرن تا حدود زیادی گریزی نیست و در کنار آسیب‌ها، مزایا و فوایدی زیادی نیز به همراه دارد. به همين دليل بهتر است با فرهنگ‏سازی و آگاهی‏بخشی به خانواده‌ها، ضمن بهره‏گیری از آثار مثبت آن، تدابیری برای کاهش آسیب‌ها اندیشیده شود. در این میان، نقش رسانه‌ها با توجه به کارکردهای اطلاع‌رسانی و آموزشی آنها، دارای اهمیت است.**

**مقدمه**

**خانواده به عنوان بنیادی‏ ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و انسانی، در شکل‏ گیری و تکمیل هویت افراد و جامعه نقش به سزایی دارد و در طول تاریخ، ارزش و جایگاه بالایی در تربیت و رشد افراد جامعه داشته است. امروزه فروپاشی مرزهای اطلاعاتی، شتاب تحولات و پیشرفت فن آوری، تأثیرات عمیق و شگرفی بر جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی جوامع برجا گذاشته است. همراه با این تحولات، ارزش‏ها و کارکردهای خانواده نیز دچار دگرگونی‏ هایی شده است. خانواده در گذشته مهم‌ترین و اصلی‏ ترین نهاد تربیتی و هویت‏ ساز بود؛ در حالی که اکنون با ورود فن آوری های رسانه ‏ای، رقبایی جديدي به وجود آمده، که کارکردهای سنتی خانواده را با چالش روبه ‏رو كرده است.**

**فن آوری های رسانه‏ای که زمینه جهانی شدن فرهنگ و ارزش‌های غربی را فراهم آورده، ‌آثار مخربی داشته‏اند، مانند: تهدید ارزش‌ها و فرهنگ‌ ملی،‌ رواج فردگرایی، تخریب روابط بین فردی و بین گروهی و سرانجام، تهدید خانواده. ازاین‏رو، برای رویارویی با این چالش‌ها باید ابتدا آسیب‌ها و معایب فن آوری مدرن را شناسایی و بررسی کنیم؛ سپس با آگاهی‏بخشی، فرهنگ‏سازی و آموزش به خانواده‏ها، روش‌های استفاده از فن آوری مدرن را به فرزندان و والدین آموزش دهیم تا خانواده‌ها با آگاهی از قابلیت‌ها و توانایی‌های فرهنگ خود و آسیب‌های فرهنگی فن آوری مدرن، کمتر دچار آسیب شوند.**

**فن آوری مدرن**

**تکنولوژی، تمامی دانش‏ها، محصولات، ابزار، روش‌ها و سیستم‏هایی است که به کار گرفته می‌شوند تا محصول یا خدمتی عرضه شود. تکنولوژی، فرآیند انتقال و تبدیل منابع به محصول از طریق دانش، تجربه، اطلاعات و ابزار است. منظور از فن آوری مدرن، فن آوری ‏ای است که در دوره مدرن و با انقلاب صنعتی در غرب شکل گرفت و بر انسان سلطه یافت و با فن آوری سنتی که در اختیار انسان قرار داشت و با روح و روان وی در ارتباط بود، کاملاً متمایز است. فن آوری مدرن یکی از اجزا و عناصر مدرنیته غربی است.**

**آسیب‌های فرهنگی فن آوری مدرن در خانواده**

**یکی از آسیب‌های فن آوری مدرن، آسیب‌های فرهنگی است که در حوزه‌های مختلف، زندگی انسان را تهدید می‌کند و آداب و رسوم، عقاید و سنت‌های ملی و بومی را دچار چالش می‌سازد. فن آوری مدرن که پی‌آمد مدرنیته غرب است و فرهنگ و ارزش‌های غربی را در خود دارد، با ورود به خانواده‌های ایرانی، فرهنگ حاکم بر خانواده‌ها را دگرگون، و کارکردهای خانواده را دچار تعارض و دوگانگی می‌سازد. مهم‌ترین ارزش‌ها و کارکردهای خانواده که با ورود فن آوری مدرن، دچار چالش و تعارض می‏شوند عبارتند از:**

**1. جایگزینی ارزش‌های دینی خانواده‌ها با فرهنگ و ارزش‌های غربی**

**در فرهنگ مدرن، ارزش‌های معنوی و دینی، دگرگون و ارزش‌های مدرن جای‌گزین آنها می‌شود. پی‌آمد این دگرگونی، غیراخلاقی و غیردینی شدن جوامع است. بی‏اعتباری تدریجی هنجارها، اصول اخلاقی و اعتقادات‏ مذهبی، با سقوط خانواده و کم ‏ارزش شدن آن همراه است.**

**حمید مولانا در این باره نوشته است: «مسئله اصلی در جریان رواج فن آوری های مدرن، ایدئولوژی یا ارزش‏های نهفته در توسعه و زیرساخت این فن آوری ها و استفاده‏های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از آنهاست. به عبارت دیگر، بزرگراه‏های اطلاعاتی و ارتباطی، بی‏طرف و خالی از ارزش‏های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیستند. اهداف اصلی توسعه جهانی این‌گونه نظام‏های صنایع فرهنگی و اطلاعاتی که مخصوصاً با بازاریابی و روش‏های اقتصادی همراه هستند، این روزها دقیقا مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و آگاهی از آنها، شرط اول و لازم در هر گونه برنامه‏ریزی ملی است».**

**با ورود فن آوری مدرن، خانواده‌ها تحت تأثیر ارزش‌های آن قرار می‌گیرند؛ فضای امن و صمیمی خانواده با نادیده گرفتن ارزش‌ها و باید‌ها و نبایدهای دینی و اخلاقی، از بین می‌رود و کانون ثبات و آرامش گذشته، به فضای پر اضطراب و بی‏ثبات و نامناسب برای رشد و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان تبدیل می‌شود. فن‌آوری‌های رسانه‏ای، خانواده را به فضایی برای فعالیت‌های شخصی و فردی تبدیل می‏کنند که فردگرایی، لذت‏طلبی، و حاکمیت اکثریت به مفهوم غربی ـ که از برجسته‌ترین خصایص و عناصر مدرنیسم است ـ بر آن چیره می‌شود.**

**در چنین جوامعی، خانواده ارزش و جایگاه خود را از دست می‌دهد و دچار انواع انحراف‏ها و ناهنجاری‌ها می‏شود. از سویی، تخصص‏گرایی، تلاش برای دست یافتن به موقعیت اجتماعی بهتر و تمایل به کارایی و سودآوری بیشتر، زن و مرد را به رقابت‌های ناسالم سوق می‏دهد و روابط اعضای خانواده را سرد و بی‏ثبات می‏کند.**

**2. فردگرایی در خانواده**

**یکی از ارزش‌های فرهنگ مدرن، فردگرایی است که از جنبه‌های گوناگون، زندگی اجتماعی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. پی‌آمد فردگرایی، احساس بی‏معنایی و کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است. توجه و تمرکز بر فرد و تمایلات او در فرهنگ مدرنیته، او را از زندگی گروهی و خانوادگی دور می‏گرداند و خودبینی ایجاد می‏کند.**

**فردگرایی، روابط درون خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تقویت گرایش‌های فردی، حقوق و مصالح فردی بر حقوق و مصالح خانواده تقدم می‏یابد. یکی از ویژگی‏های خانواده، به عنوان نهادی اجتماعی، مقدّم بودن فرهنگ جمع‌گرایی بر خواسته‌های فردی است.  فن آوری مدرن، رابطه افراد با یکدیگر و ارتباط کلامی و عاطفی اعضای خانواده را محدود می‌سازد. در نتیجه، فردگرایی افراطی را گسترش می‏‏دهد، زندگی جمعی در نهاد خانواده را تضعیف، و انسجام و هم‏بستگی خانواده را نابود می‌کند.**

**3. ترویج مادی‌گرایی و کمرنگ شدن معنویت در خانواده**

**گرایش به رفاه افراطی، از پی‌آمدهای فن آوری مدرن و فرهنگ مدرنیته است که کانون خانواده را از عواطف و احساسات معنوی دور کرده و به دل‏مشغولی‌های مادی و دنیوی سرگرم ساخته است. زمانی که ارزش‏ها، نگرش‌ها و باورهای حاکم بر روابط افراد خانواده بر اساس گرایش‏های مادی باشد، لذت‏طلبی و سودطلبی، روابط انسانی را از معنویت تهی می‏کند. تغییر ارزش‏های معنوی و اعتقادی، سبب تغییر نگرش خانواده‌ها و فرزندان آنها به مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‏گردد و ارزش‏های اصیل اسلامی انسانی نادیده گرفته می‌شود.**

**در چنین وضعیتی، خانواده دیگر کانون پرورش احساسات و عواطف معنوی و انسانی نیست و انحصار خود را در برآوردن نیازهای جنسی و عاطفی از دست می‌دهد. در نتیجه، تعهد و مسئولیت‏پذیری اعضا در مقابل خانواده سست می‌شود و آنها را برای برآوردن نیازهای خود، به فضای بیرون از خانواده هدایت می‏کند.**

**معنویت و باورها و آداب و رسوم مذهبی، در خانواده‌ها جایگاه ویژه‏ای دارد و میان آنها با سلامت اخلاقی و رفتاری اعضای خانواده، ارتباط مستقیمی برقرار است. یونگ معتقد است: «دو سوم از بیمارانی که از سراسر جهان به من مراجعه کرده‏اند، افراد تحصیل‏کرده و موفقی هستند که درد بزرگ، یعنی پوچی و نامفهومی و بی‌معنا بودن زندگی، آنها را رنج می‌دهد».**

**4. مصرف‌گرایی افراطی در خانواده‌ها**

**فن آوری مدرن رسانه‏ای از طریق گسترش سبک زندگی مدرن با ظاهر زیبا و فریبنده‏اش، و رواج مصرف بی‏رویه در خانواده و ترغیب به خرید و مصرف کاذب کالاها، سلامت روحی و روانی افراد را با توجه به نیاز رو به رشد، تهدید می‏کند؛ زیرا با مصرف‏گرایی افراطی، مشکلات مالی گریبانگیر خانواده می‌شود و خانواده را به کار و اشتغال تمام‌وقت مجبور می‌سازد. در چنین خانواده‏هایی، درآمد یک نفر، پاسخ‏گوی این نیازهای کاذب نیست.**

**در چنین شرایطی افراد خانواده بیشتر کار می‌کنند و کمتر همدیگر را می‌بینند. آنها بیشتر وقت خود را بیرون از خانه می‌گذرانند؛ بقیه ساعات را نیز با خستگی از کار و فعالیت بیرون، به سر می‌برند که مانع ارتباط صمیمی و گرم آنان می‌شود. این امر، هم‌چنین فرصت والدین را برای تربیت فرزندان، محدود می‌سازد. در نتیجه، خانه به خوابگاه و استراحتگاه شبانه تبدیل می‌شود و کارکردهای دیگر آن فراموش می‏گردد.**

**ورود فرهنگ مدرن غرب توسط فن آوری مدرن و ایجاد نیازهای بی‌حد و مرز، سبک زندگی خانواده‌ها را تغییر داده است. در نتیجه، افراد خانواده در بیشتر ساعات شبانه‏روز در مکان‏های مختلف مشغول به کار می‌شوند. به این ترتیب، دغدغه و گرفتاری‌های زندگی مدرن، فرصت ارتباط اعضای خانواده و گفت‏و‏گوهای خانوادگی را به‌طور چشم‌گیری کاسته و سبب بی‏توجهی افراد به یکدیگر و در نتیجه خودبینی و تفردگرایی شده است.**

**5. بحران هویت در خانواده**

**در عصر حاضر، بحران هویت خانواده، در گذر از زندگی سنتی به مدرن، دامنگیر جوامع بشری شده است. پاستر، از نظریه‏پردازان پست‏ مدرنیسم، آثار فن‌آوری‌‏های جدید و رسانه‌ها را اجتماع و فرهنگ، بررسی کرده و در اثر خود به نام عصر دوم رسانه‏ها نوشته است: «آنچه در نوآوری‏های فنی مربوط به عصر دوم رسانه‌ها، یعنی عصر اینترنت، پست الکترونیکی و ماهواره مهم است، دگرگونی گسترده فرهنگ، هویت فرهنگی و روش جدید ساخته شدن هویت‏هاست».**

**تحولات بزرگ در حوزه تکنولوژی‏های نوین ارتباطی و فن‌آوری‌ اطلاعاتی، راه‏های اطلاع‏رسانی در خانواده‏ها را افزایش داده و آنان را با فرهنگ‏ها و الگوهای گوناگونی آشنا کرده که جای‌گزین فرهنگ، ایدئولوژی و ارزش‌های گذشته شده است. این امر، یکی از علل پیدایش بحران هویت در افراد و خانواده‏هاست. با توسعه فن‌آوری اطلاعات و جریان گسترده آن، منابع هویت‏یابی دگرگون گشته و منابع جدید جایگزین منابع سنتی شده‏اند. این منابع با ماهیت گستردگی و فراگیری که دارند، بدون هیچ محدودیتی، از مرزهای ملی گذشته و جوامع بشری را با الگوهای متعدد و متنوعی روبه ‏رو کرده ‏اند که هویت‏یابی در این جوامع را دچار مشکل ساخته است.**

**آشنایی خانواده‌ها با ارزش‌ها و الگوهای گوناگون فرهنگی، آنان را در پیدا کردن جهت و معنای زندگی، آشفته و سرگردان‏ و در رویارویی با مشکلات زندگی و خانوادگی، درمانده کرده است. تزریق ارزش‏ها و نگرش‌های مختلف به خانواده، موجب از بین رفتن وحدت و یگانگی اعضا و در نتیجه تصمیم‏گیری‌ها و تدبیرهای متعارض و دوگانه در خانواده می‏شود. در این صورت خانواده استحکام خود را از دست می‏دهد و نقش و پایگاه عاطفی آن متزلزل می‌شود و فرد را در یافتن هویت، دچار مشکل و سردرگم می‌سازد.**

**در گذشته، نهاد خانواده اولین و مهم‌ترین مرجع هویت‏یابی بود و افراد، هویت خود را به آسانی در خانواده می‏یافتند و جایگاهشان را در جامعه می‌پذیرفتند. امروزه با ارائه الگوهای متنوع و متعدد از ماهواره و اینترنت، درباره هنجارها و ارزش‌های بومی و سنتی خانواده‏‌ها تردید ایجاد شده است.**

**6. پرشدن اوقات فراغت خانواده ها با سرگرمی های جدید**

**پیش از ورود فن آوری های مدرن، اوقات فراغت در خانواده، بیشتر به صورت کمک به دیگران، درد دل‏ و گفت‏وگو کردن، سیر و سیاحت در طبیعت و دیدار اقوام و آشنایان و در یک کلام، در کنار یکدیگر می‏گذشت. امروزه رسانه‏ها، اوقات فراغت خانواده‌ها را به گونه‏ای پر کرده‏اند که فرصت حضور آنها در جمع صمیمی خانواده از بین رفته است. فن آوری مدرن، خانواده‌های امروزی را گرفتار نوعی کاستی و سردی در روابط و مناسبات کرده است، که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:**

* **ایجاد فاصله بین فرزندان و والدین و خودکفایی فرزندان در گذراندن اوقات فراغت**

**بخش مهمی از زندگی کودکان و نوجوانان، بازی و فعالیت‌های تفریحی است که در شکل‌گیری شخصیت و روحیات آنان در بزرگ‏سالی، نقش مهمی ایفا می‏کند. ذهن کودک، پذیرای هر گونه تجربه و آموزش است و خانواده‌ها می‌توانند از طریق بازی، سرگرمی و تفریح، آنان را برای زندگی آماده سازند.  یکی از شیوه‌های تربیت فرزندان، بازی کردن و همبازی شدن با آنهاست. والدین می‌توانند از این راه وارد دنیای کودک شوند و با او ارتباطی نزدیک و صمیمانه برقرار کنند.**

**امروزه، دنیای کودکان و نوجوانان را تلویزیون و دیگر رسانه‌ها و ابزارهای مدرن، احاطه کرده است. فن آوری های مدرن با برقراری رابطه با کودکان و نوجوانان، فرصت با خانواده بودن را از آنها گرفته و سبب سردی روابط آنها و والدینشان شده ‏اند.**

* **کمبود محبت در فرزندان و ارضا نشدن نیازهای عاطفی**

**تفریح و سرگرمی در خانواده‌ها با فن آوری های مدرن، فرصتی برای ابراز محبت اعضا به یکدیگر و برآوردن نیازهای عاطفی آنها باقی نمی‏گذارد؛ زیرا در زندگی مدرن، بیشتر وقت افراد برای کار و اشتغال سپری می‏شود و باقی اوقاتی هم که باید در کنار یکدیگر باشند و به تفریح و سرگرمی سپری کنند، به وسیله ابزارهای مدرن پر شده است. سرگرمی و تفریح با ابزارهای مدرن، جای‌گزین روابط خانوادگی شده است. در نتیجه، نیازهای عاطفی آنها نادیده گرفته می‌شود و اعضا دچار کمبود محبت می‌شوند.**

**یکی از روش‌های تربیتی که در فرهنگ اسلامی نیز بر آن تأکید شده، برقراری ارتباط عاطفی و محبت‏آمیز با فرزندان است. رابطه عاطفی و مهرورزی در خانواده، سبب آرامش روحی و روانی، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، الگوگیری در مهرورزی به دیگران، و احساس امنیت می‏شود. به این ترتیب، از پیدایش بسیاری از مشکلات، ناهنجاری‌ها و انحراف‏ها پیشگیری خواهد شد.**

* **اختلال در مهارت‌های اجتماعی فرزندان و گوشه‏ گیری آنها**

**بسیاری از مهارت‌های اجتماعی افراد در خانواده شکل می‌گیرد و افراد در این محیط برای زندگی در میان جمع و گروه، آماده می‏شوند. اجتماعی شدن، یعنی آشنایی با قوانین و درونی کردن نقش‏ها و ارزش‏های فرهنگی در خانواده صورت می‏گیرد. همکاری گروهی، مشارکت در تصمیم‏گیری‏ها، هم‌دلی و هم‏دردی با دیگران، رقابت، تقسیم کار و مسئولیت‏پذیری، تعهد، احترام به حقوق دیگران و رعایت عرف و هنجارهای اجتماعی، اموری است که باید در خانواده تمرین و آموخته شود تا فرد به بلوغ اجتماعی برسد.**

**رواج سرگرمی‌های کامپیوتری و ارتباطات مجازی در خانواده، از روابط عاطفی اعضای خانواده با یکدیگر و با دیگر خانواده‌ها می‏کاهد و افراد خانواده را به تدریج گوشه‏گیر و از اجتماع دور می‏سازد. به همین دلیل، پس از ورود به جامعه، به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران، دچار ناامیدی می‏شوند و با قطع ارتباط با جامعه و دیگران، آسیب می‏بینند.**

**در اینترنت، ارتباط‏ ها در اتاق‌های گفت‏و‏گو و بین مخاطبانی بی‏نام و نشان برقرار می‌گردد.**

**افراد در دنیای مجازی، وارد تعاملاتی می‌شوند که به کلی با ارتباطات دنیای واقعی تفاوت دارد و از چارچوب‌های مرسوم اجتماعی و عرفی خارج است. ازاین‌رو، مهارت‌های لازم را برای ارتباط با دنیای بیرون، به افراد نمی‏آموزد. بازی‌های کامپیوتری، به شکل اعتیادآوری ارتباط فرد با دنیای بیرون را قطع می‏کند و او را از امور پیرامونش، غافل می‌سازد.**

**برقراری ارتباط و دادن پیام از طریق تلفن‌های همراه نیز سبب می‌شود افراد برای ارتباط با یکدیگر، نیازی به دیدار و گفت‏وگوهای طولانی و صمیمانه با هم نداشته باشند و از طریق فن‌آوری‌های اطلاعات و فن آوری ارتباطات، پیام‌ها و اطلاعات خود را در جملات کوتاه و سرد و بدون حاشیه ارسال کنند. این امر روابط را سرد، و به تدریج افراد را از یکدیگر دور می‌سازد و منزوی شدن آنها را در پی خواهد داشت. شرکت در گروه و اجتماع، در رشد اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‏کند و یکی از عوامل موفقیت افراد است که باید از سنین پایین، در خانواده به فرد آموخته شود.**

* **کاهش نوآوری و خلاقیت فرزندان**

**در خانواده‌ای که فرصت بازی و تفریحات سالم از بین برود یا در مسیر نادرست قرار گیرد، والدین با استعدادهای فرزندانشان آشنا نمی‏ شوند و نمی ‏توانند آنان را برای تعیین مسیر زندگی و پیشرفت، آماده و راهنمایی کنند. در‏حالی‏که یکی از تکالیف والدین، کوشش در رشد و پرورش استعدادهای فرزندان در حد امکان و توانایی است.  زمانی که فرزندان در خانواده برای گذراندن اوقات فراغت به اینترنت و بازی‌های کامپیوتری و سینماها، روی آورند، نیروی تفکر و نوآوری آنان شکوفا نمی‏ شود.**

* **نبود تمرکز در تربیت فرزندان**

**در گذشته، تربیت فرزندان در خانواده متمرکز بود و خانواده‌ها فرزندان را بر اساس ارزش‌ها و باورهای مورد قبول خود تربیت می‌کردند، اما امروزه با وجود رسانه‌ها، خانواده‌ها نقش خود را در تربیت فرزندان، تا اندازه زیادی از دست داده‏اند؛ چنان‌که دنیای کودک را رسانه‌های مختلف احاطه کرده و فرصت تربیت را از والدین گرفته‏اند. در نتیجه، خانواده‌ها دیگر نمی‏توانند بر اساس نظام فکری ـ اعتقادی خود، فرزندانشان را تربیت کنند.**

**به بیان دیگر، رسانه‌ها جای‌گزین والدین می‏شوند و ابتکار عمل را در پرورش همه‏جانبه فرزندان به دست می‏گیرند؛ آن گونه که اقتصاد، بازار، سود و تجارت می‏خواهد. در این وضعیت، کودکان طبق ارزش‌ها و باورهای حاکم بر خانواده رشد نمی‏کنند و از همان کودکی، بین آنها و والدینشان اختلاف و فاصله به وجود می‌آید.**

* **کاهش کنترل و نظارت بر رفتارهای فرزندان**

**فن آوری‏های رسانه‏ای، نظارت و کنترل خانواده‌ها بر فرزندان را کاهش، و آزادی فرزندان را افزایش داده است. با وجود چنین فن آوری‏هایی، روابط و رفتارهای افراد خانواده، دور از چشم دیگران خواهد بود. فرزندان بدون اطلاع والدین و بی‏هیچ محدودیت و واهمه‏ای، با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‏کنند. در نتیجه، والدین به عنوان سرپرست و بزرگ‏تر که باید مراقب فرزندانشان باشند، دیگر از عهده این کار برنمی‏ آیند.**

**امروزه با وجود فن آوری های مدرن، کنترل‌ اخلاق و رفتار فرزندان برای والدین دشوار شده است. در گذشته، والدین در قبال رفتارها و روابط فرزندان احساس مسئولیت می‌کردند، بر رفتار آنان به آسانی نظارت داشتند و آنها را راهنمایی یا از مسائلی منع می‌کردند. امروزه با وجود ابزارهای نوین رسانه‏ای، فرزندان به ندرت کنترل می‏شوند. برای مثال، وقتی کودکان و نوجوانان، به ویژه در جامعه ما از تلفن همراه استفاده می‌کنند و یا در اتاق خود کامپیوتر و تلویزیون در اختیار دارند، چگونه ممکن است پیام‌ها و گفت‏وگوهای آنان یا استفاده آنها از رسانه را کنترل کرد؟**

**حجم بالای اطلاعات گسترده و بیشتر ناکارآمد و غیراخلاقی در رسانه‌ها، امروزه وظایف خانواده را در کنترل فرزندان در عرصه رسانه سنگین کرده است و خانواده بر خلاف گذشته، اکنون قدرت چندانی در کنترل اطلاعات ندارد. تلویزیون، اینترنت و ماهواره، اطلاعات را در برابر نسل جوان می‏ گسترانند و فرزندان به راحتی می‏توانند به هر نوع اطلاعاتی دست یابند.**

**این مشکل را از دو جنبه می‏توان بررسی کرد: اول اینکه فن آوری های مدرن با ماهیت و ویژگی‏ای که دارند، غیرقابل کنترل هستند؛ دوم اینکه ارزش‏ها و نگرش‏هایی را که با خود به همراه می‌آورند، چنان‌که پیش از این گفته شد، جایگاه والدین را به عنوان سرپرست خانواده از بین برده است و فرزندان را دارای جایگاهی برابر با والدین جلوه می‌دهند.**

**پیشنهادها**

**1. آموزش خانواده‌ها برای استفاده از فن آوری های مدرن و دادن اطلاعات لازم به آنان درباره آسیب‌ها و چالش‌های پیش رو. باید یادآور شد که مزایا و فواید فن آوری های مدرن، دیدنی و چشم‌گیر، اما آسیب‌ها و چالش‌های آنها پنهان و خاموش است. البته مراکز پژوهشی در این زمینه نقش به سزایی دارند و می‌توانند معایب و آسیب‌های فن آوری مدرن را بررسی و مطالعه کنند تا نهادهای آموزشی و رسانه ملی از نتایج بررسی‏های آنها بهره گیرند.**

**از آنجا که رسانه‌ها دارای کارکردهای اطلاع‏رسانی و آگاهی‏بخشی هستند، در این زمینه مؤثرترین ابزار به شمار می‏روند. «نهاد رسانه به کار تولید، بازتولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادهایی یا مرجع‏هایی معنی‏دار و قابل تجربه در جهان اجتماعی اشتغال دارد. این معرفت، ما را توانا می‌سازد تا به تجربه خود معنا ببخشیم، به دریافت‌های ما از این تجربه نظم و نسق می‌دهد و ما را یاری می‌کند تا معرفت‌های گذشته را محفوظ نگه داریم و به درک امروزین خود استمرار بخشیم».**

**2. تقویت ارزش‏ها، باورها و اعتقادات دینی و معنوی در خانواده‏ ها: با توجه به کارکرد فرهنگ‏سازی رسانه‏ ها، این کار مهم نیز به کمک آنها تحقق می‌یابد. ارائه مدل‏ها و الگوهای کارآمد از خانواده دینی و زمینه‏ سازی برای رشد اخلاقی و معنوی خانواده‏ ها، از این راه امکان‏پذیر است.**

**در این میان، جا دارد که عقاید، ارزش‌ها و آداب و رسوم مذهبی خانوادگی در سریال‏ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی با اهمیت و کارکرد مثبت به نمایش درآید. در این زمینه، موارد ذیل به عنوان راهکارهای رسانه‏ ای پیشنهاد می‏شود:ـ تأکید بر رفت‌وآمد بیشتر با خویشاوندان و دوستان؛ـ ترویج کارهای گروهی و اجتماعی بین خانواده‌ها و اعضای خانواده؛ ـ تشویق به محدود کردن استفاده از رسانه‌ها در مواقعی که اعضای خانواده باید کنار هم باشند؛ برای مثال، هنگام غذا خوردن یا هنگامی که اعضای خانواده در مراسم خاصی حضور دارند؛**

**ـ اکتفا نکردن به پیامک و تماس تلفنی در احوال‌پرسی‌ها و صله رحم؛ ـ مسافرت‌های جمعی با خانواده؛ ـ توجه دادن به موارد منع استفاده از برخی فن آوری‏ها، مانند: استفاده فرزندان کم سن‌وسال از تلفن همراه؛ـ ترویج احترام به بزرگ‏تر‌ها و افراد کهن‏سال و رعایت جایگاه سلسله‌مراتبی در خانواده؛ـ مقاومت در برابر خواسته‌ها و نیازهای غیرضروری فرزندان و جلوگیری از افزایش انتظارات و توقعات آنان؛ ـ تشویق به اختصاص دادن زمان بیشتری برای گفت‌وگو با یکدیگر در خانواده و برقراری ارتباط عاطفی و کلامی با اعضای خانواده؛ ـ تأکید بر اولویت دادن به مصلحت جمعی در برابر مصلحت فرد در خانواده؛**

**سخن پایانی**

**فن آوری مدرن، نماينده مدرنيته غرب است و پدیده‏ای خنثی و بی‏طرف نیست، و ایدئولوژی و ارزش‌های نظام سرمایه‏داری و فرهنگ غرب را با خود به همراه دارد و با هدف جهانی‏سازی و فراگیر کردن اندیشه غرب، در پی تغییر فرهنگ و تمدن‌های دیگر است. خانواده که مهم‌ترین رکن نظام اجتماعی است، در جامعه ما بر پایه ارزش‌ها و باورهای سنتی و دینی شکل گرفته و کارکردها و ساختار آن را مشخص و نهادینه ساخته است.**

**اکنون که این نهاد مهم در رویارویی با فن آوری های مدرن و ارزش‌ها و فرهنگ آن، دچار چالش و آسیب شده است و نزدیک است که کارکردهای اصلی و اصیل خود را از دست بدهد، ضرورت دارد ترتیبی در پیش گرفته شود که استفاده از فن آوری های مدرن، با آگاهی از ویژگی‌ها و ماهیت آنها صورت گیرد. در این زمینه، باید به خانواده‌ها برای استفاده صحیح از آنها در چارچوب ارزش‌های اصیل دینی، آموزش لازم داده شود.**

**منابع**

**الف) کتاب**

**پاستر، مارک. 1378. عصر دوم رسانه‏ها. ترجمه: غلامحسین صالحیار. تهران: مؤسسه ایران.**

**پستمن، نیل. 1373. تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی. ترجمه: صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.**

**پستمن، نیل. 1384. زندگی در عیش، مردن در خوشی. ترجمه: صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.**

**مک کوئیل، دنیس. 1380. مخاطب شناسی، ترجمه: مهدی منتظر قائم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات و رسانه ها.**

**مک کوئیل، دنیس. 1382. درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی. ترجمه: پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‏ها.**

**مولانا، حمید. 1380. ظهور و سقوط مدرن. تهران: کتاب صبح.**

**ب) مقاله**

**صادقی گیوی، فاطمه. 1381. «اخلاق اصالت». نشریه حوزه و دانشگاه.**

**نصری، عبدالله. 1387. «علل گرایش به بدبینی و پوچ‌گرایی»، نشریه معارف.**